

سیمای جنسیت (زن و مرد) در قوانین خانواده و مجازات اسلامی

سیامک زند رضوی

سیمین فروغزاده

چکیده

هدف این تحقیق بررسی سیمای زن و مرد به لحاظ تفاوت‌ها و تشابهات حقوقی در قوانین خانواده و مجازات اسلامی است. به این منظور کلیه مواد قانونی در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی با آخرین اصلاحات (چاپ ۱۳۷۹) که به ترتیب مربوط به حقوق خصوصی و عمومی هستند، برای مطالعه انتخاب گردید و از تکنیک تحلیل محتوا برای تحلیل مواد قانونی استفاده شد.

برای انتخاب متغیرهای تحقیق، از نظریه‌های صاحب‌نظران کلاسیک مانند منتسکیو، ماکس وبر، آگوست کنت، دورکیم، لوی برول و همچنین از نظریه‌های معاصر که به بحث و بررسی در مورد جنسیت پرداخته‌اند، بهره‌گیری شد و یک چارچوب نظری تلفیقی به وجود آمد.

در این دو مجموعه قانون، متغیرهای حاصل از مطالعات نظری اعم از اعطای حق خاص به زنان و مردان، تحمیل تکلیف خاص به زنان و مردان، سلب حق از زنان و مردان، قرار گرفتن زنان و مردان در سلسله‌مراتب اقتدار، جهت نظر قانونگذار نسبت به زنان و مردان، جنس فاعل و جنس مفعول، در ارتباط با متغیرهای دیگر نظیر نوع قانون، میزان ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، انعطاف‌پذیری حکم قانون، اصلاح‌شدگی و زمان تصویب ماده قانونی، ماهیت، نوع و شیوه مجازات مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های حاصل از تحلیل، حاکی از آن است که در این دو مجموعه قانون در بسیاری از موارد بین زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد، به گونه‌ای که اعطای حق، تحمیل تکلیف و سلب حق در مورد زنان بیشتر از مردان است. مردان بیشتر از زنان در رأس هرم اقتدار قرار گرفته‌اند و قانونگذار هنگامی که از زنان و مردان سخن می‌گوید، برای مرد اولویت بیشتری نسبت به زن قائل است. همچنین در این دو مجموعه قانون، فاعل مرد بیشتر از فاعل زن است و از طرفی دیگر مفعول زن بیشتر از مفعول مرد است. علاوه بر آن موادی که زن ملزم به انجام تکلیفی بوده است، مورد اصلاح قرار گرفته است، در حالی که در مورد مردان چنین موادی که اصلاح شده باشد، وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها: قانون خانواده، قانون مجازات اسلامی، جنسیت.

طرح موضوع

زن و مرد به لحاظ زیست‌شناسی، تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند، اما به عنوان انسان می‌بایست حق برخورداری یکسان از منابع و امکانات را داشته باشند. به اعتقاد جامعه‌شناسان، نابرابری بین زنان و مردان از نظر دسترسی به منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصت‌های مناسب از ساختار اجتماعی سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۴۷۳). بدیهی است که برای درک مناسب از چگونگی وضعیت زن و مرد در جامعه ایران، نمی‌توان ساختار را مستقیماً مشاهده و اندازه‌گیری کرد. به همین جهت نیاز به عرصه‌ای است که بازگوکننده ساختار جامعه باشد و در این راستا به عقیده دورکیم «حقوق بهترین بیان‌کننده واقعیت‌های موجود در ساختار اجتماعی است» (دورکیم، ۱۳۶۹: ۷۶). از طرفی دیگر، به اعتقاد پارسونز «قوانین همان هنجارها هستند» (پارسونز، ۱۹۶۵: ۵۸) و به تعبیر گیدنز «هنجارهایی هستند که حکومت آن‌ها را به عنوان اصولی که افراد جامعه می‌بایست از آن پیروی کنند»، تعریف می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۳۳).

با اعتقاد به این اصل که رکن اصلی هر نوع اجتماعی، هنجار اجتماعی است (چلی، ۱۳۷۵: ۷۲) مندراس و گوروپچ هنجار را قانون، قاعده یا اصلی که هدف آن تنظیم رفتار بر اساس ارزش‌هاست، تعریف می‌کنند (مندراس و گوروپچ، ۱۳۶۹: ۳۱۳). موضوع تفاوت دستیابی زنان و مردان به امکانات موجود در جامعه از خلأ سرچشمه نگرفته است، بلکه ریشه در ساختار جامعه دارد و حقوق موجود در هر کشوری به عنوان یک واقعیت اجتماعی بهترین بیان‌کننده و آینه تمام‌نمای ساختار جامعه محسوب می‌شود.

از طرف دیگر در مطالعات جامعه‌شناسی، آن‌جا که سخن از تفاوت‌های نژادی، قومی و گروه‌های مختلف می‌شود، یکی از عناصر مورد نظر در تحلیل تفاوت‌های اجتماعی، مسأله جنسیت است (امریلیست، ۱۹۹۴: ۶۴). جنسیت محصولی اجتماعی است، به گونه‌ای که عنوان مردانه و زنانه، به وسیله جهان اجتماعی تعیین می‌شود (برگس، ۱۹۸۶: ۳۳). به عقیده صاحب‌نظران، تحلیل جنسیت^۱ ابزاری است برای شناسایی پایگاه‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌های مردان و زنان در جامعه و همچنین دستیابی و کنترل آن‌ها بر منابع، امتیازات و فرصت‌ها و آشکار کردن روابط قدرت و پرده برداشتن از سوگیری‌های معطوف به یک جنس و در نهایت اصلاح آن‌ها (امریلیست، ۱۹۹۴: ۶۴).

به کمک تحلیل جنسیت می‌توان از طریق مقایسه این نموده‌ها، تعصباتی را که چنین وضعی را پیش می‌آورند، کشف کرد. تعصب مربوط به جنسیت در همه کشورها و فرهنگ‌ها به توسعه نیافتگی و فقر وابسته است (تورس و روزاریو، ۱۳۷۵: ۶۳).

در این مطالعه قانون بیان‌کننده ارزش‌ها و هنجارهایی در جامعه تعریف می‌شود که از نظر حکومت، افراد جامعه ملزم به رعایت آن هستند و از آن‌جا که انتظار می‌رود قوانین در هر جامعه تا حد زیادی همخوانی مناسبی با سیستم ارزشی و نظام هنجاری آن جامعه داشته باشد، از این‌رو مطالعه علمی قوانین به منزله روشن نمودن وضعیت ارزشی و هنجارهای موجود در جامعه است. بنابراین تحلیل قوانین به صورت عینی می‌تواند هنجارها و ارزش‌های مربوط به جنسیت را در جامعه امروز ایران آشکار نماید. برای این منظور قوانین خانواده و مجازات اسلامی برای مطالعه جنسیت (زن و مرد) انتخاب گردید.

پرسش‌های آغازین که فرایند تحقیق را شکل می‌دهد، چنین مطرح می‌گردد که سیمای زن و مرد در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی چگونه است؟

مرور منابع

در خصوص پیدایش قانون در جامعه بشری، دیدگاه‌های متفاوتی مطرح است. به عقیده آگوست کنت، قانون معلول رشد ذهن انسان در مرحله دوم (فلسفی) است. مرحله‌ای که انسان از جنگ و خشونت می‌گریزد و می‌خواهد اندیشه‌اش را به شکل رابطه جامعه و قالب مسلط تبدیل کند (خداپرست، ۱۳۷۸: ۱۶۵). از نظر اسپنسر ترس از زنده‌ها، انسان را وادار به تأسیس دولت می‌کند تا با وضع قراردادهای اجتماعی و قوانین، او را از آسیب زنده‌ها مصون نگهدارد (تنهایی، ۱۳۷۱: ۱۲۱). به اعتقاد وبر، جامعه انسانی از هر رقم که باشد، برای بقای خویش از اعضایش متوقع است که قواعد و هنجارهای مشترکی را رعایت کنند و در صورت لزوم، آنان را به آن مجبور می‌کند. همین عرف‌های قهرآمیز و سودمند برای فعالیت مشترک افراد ذی‌نفع هستند که حقوق را تشکیل داده‌اند و آن را برای زندگی اجتماعی ضروری می‌کنند (فروند، ۱۳۶۲: ۲۶۹).

پارسونز و همکاران وی نظریه وبر را این‌گونه توضیح می‌دهند که وبر از خود می‌پرسد در چه شرایطی افراد حتی اگر تنظیم خارجی موجود نباشد، باز هم به‌هنجار رفتار می‌کنند؟ یعنی رفتار بر طبق قاعده و اصول، به صورت طبیعت رفتار روزانه تلقی می‌شود. پاسخ او به این سؤال این است که «فهم مشترک» مبنای یک نظم

عقلانی را تشکیل می‌دهد که در آن پیروی از رسوم و آداب محاسبات به صورت «خود تکرار» است. مقدمه این امر قراردادهاست و مقدمه قرارداد کنش وفاق‌آمیز است. اگر کنش‌ها وفاق‌آمیز باشد، تنظیمات کنش صورت قرارداد می‌یابد و این مراحل مبنا و پایه قانون را تشکیل می‌دهد (پارسونز، ۱۹۶۵: ۷-۶۲۶).

منتسکیو به عنوان یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی حقوق در کتاب *روح‌القوانین* در خصوص چگونگی محتوای قانون می‌نویسد: قانون باید قابل فهم و بسیار صریح و روشن نوشته شود، به طوری که شخص برای دریافتن معنی آن محتاج تفکر نگردد. علاوه بر آن هیچ گونه ابهامی در آن وجود نداشته باشد و همه انسان‌ها بتوانند به راحتی یک معنی را از آن در ذهن بازسازی کنند و همه از آن یک مطلب را بفهمند. در عین حال مواد قانونی باید یک حکم قطعی مشخص ارائه دهند و نباید در قضاوت معلق بمانند که در این صورت پیامد مسأله آن است که قانونگذار گاهی اوقات در قانون نظر خود را اعمال می‌کند که گاهی این اعمال نظر می‌تواند به طور کامل و مطلق نیز باشد. در قانون باید حتی المقدور موارد استثنایی کم باشد و بهتر است که اصلاً موارد استثنایی وجود نداشته باشد (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۸-۸۷۲). به عقیده وی قانون همواره با عواطف و احساسات قانونگذاران برخورد می‌نماید و گاهی اوقات عواطف و احساسات مزبور اندکی در قانون تأثیر می‌کند و گاهی مطلقاً و به طور کامل تحت تأثیر عواطف و نظرات خصوصی قانونگذار قرار می‌گیرد (همو: ۱-۸۸۰).

در میان جامعه‌شناسان حقوق، وبر تنها کسی است که در مورد قاضی مسلمان بحث می‌کند. به عقیده وی در مواردی قضاوت قاضی مسلمان بر اساس ادراک شخصی او است (فرونند، ۱۳۶۲: ۲۶۶).

تغییرپذیری قوانین از جمله موضوعاتی است که صاحب‌نظران آن را در ارتباط با جامعه می‌دانند. به اعتقاد این گروه، قوانین در طی زمان باید تغییر کند، به دلیل این اعتقاد که اگر قانون به خاطر انسان‌ها و تنظیم رابطه اجتماعی آن‌هاست، پس باید همزمان با تغییر شرایط در گروه‌های انسانی، قوانین نیز باید تغییر کنند و این تغییر باید متناسب با نیازهای جامعه باشد؛ چرا که قوانین پاسخگوی عقاید عمومی هستند (برکر، ۱۹۹۲: ۳).

به عقیده دورکیم حقوق در آغاز به امور نهی شده مذهب که نقض آن‌ها با تقییح عمومی همراه بود، ارتباط داشت. هنگامی که امور ممنوع جادویی که نقض آن‌ها فقط عواقب آنی و مستقیم داشت، با نهی مذهبی هم‌دوش گردید و از دایره شمول ممنوعات مذهبی کاسته شد، حقوق نیز انعطاف‌پذیر گردید و جایی برای ابتکارهای شخصی باز شد (گورویچ، ۱۳۵۸: ۴-۱۰۳). به این ترتیب به نظر وی حقوق خشکی و سختی خود را از دست داده و قابل انعطاف شده است و این مسئله از دیدگاه جامعه‌شناسانی چون ماکس وبر و لوی پرول در

حقوق اسلامی نیز صادق است (همو: همان جا). به عقیده لوی برول حقوق با انتقال از مرحله مذهبی به مرحله غیر مذهبی تغییر می یابد. در حقوق انگلستان، عبری، اسلامی، رومی و آلمانی می توان مواردی را نشان داد که قضات با احکامی که در موارد خاص صادر کرده اند، به ایجاد حقوق عرفی مبادرت ورزیده اند (همو: ۴۸).

علاوه بر آن، هر قاعده حقوقی زمانی اعتبار دارد که به دو طرف بستگی داشته باشد، یعنی دادن امتیاز و حتی به یک طرف و تکلیف و الزام به طرف دیگر (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۴: ۲۴۳) این حق و تکلیف، قابل اجتماع نیستند، یعنی صاحب حق و تکلیف نمی تواند یک نفر باشد (امامی، ۱۳۷۰: ۱۱). علاوه بر آن این حق و تکلیف به منزله دو کفه ترازو هستند و نمونه مطلوب و آرمانی زمانی است که حق و تکلیف متعادلی برای افراد و گروه های اجتماعی در نظر گرفته شود (همو: ۲۱۷).

به عقیده دورکیم مجازات یک نوع واکنش عاطفی با شدت معین است که جامعه از طریق هیأت سازمان یافته ای در برابر آن دسته از اعضایش که از برخی قواعد کرداری معین تخطی کرده اند، ابراز می کند (دورکیم، ۱۳۶۹: ۱۰۹). وی بر این اساس مجازات را به سه دسته تنبیهی، ترمیمی و بینابینی تقسیم می کند.

در مجازات تنبیهی، مجرم آن چه را که در اختیار دارد، از دست می دهد و محروم می شود. هدف این نوع مجازات ها آسیب رساندن به متخلف از لحاظ ثروت، خوشبختی، حیات یا آزادی است. مجازات های ترمیمی در بردارنده محرومیتی برای متخلف نیست، بلکه برگرداندن مجدد روابط به هم خورده به حالت اولیه و عادی است (دورکیم، ۱۳۶۹: ۸۱-۸۰).

مجازات بینابینی نیز آمیزه ای است از دو نوع مجازات تنبیهی و ترمیمی که ویژگی هایی از هر دو نوع در آن دیده می شود (همو: ۱۰۶). دورکیم در خصوص سیر تحول حقوق در جامعه می نویسد: به تدریج در حقوق، ترمیم کنندگی جانشین مجازات می گردد (گورویچ، ۱۳۵۸: ۱۰۲). و به تدریج که حقوق انسانی می گردد، هدف مجازات صرفاً در این خلاصه می شود که از «زیان رساندن به شخص آدمی» جلوگیری گردد و سپس مجازات بی آن که زائل شود، ملایم می گردد و هر چه قدر جامعه عقب افتاده و هر چه قدر به استبداد مطلق نزدیک تر باشد، مجازات دارای شدت بیشتری است (همو: همان جا).

در ادبیات کلاسیک، تنها دورکیم است که به مفهوم نابرابری توجه دارد. او دو نوع نابرابری را از هم تفکیک می کند: بیرونی و درونی. به عقیده وی نابرابری بیرونی بر اساس شرایط اجتماعی بر افراد اعمال می شود، یعنی آن چه که امروز از آن تحت عنوان پایگاه محول یاد می شود. در مقابل نابرابری درونی از

مقتضیات تقسیم کار اجتماعی است و بر اساس استعدادهای فردی استوار است، یعنی آن چه امروز به عنوان پایگاه محقق می نامند. نابرابری بیرونی توزیع محولی جمعیت در مواضع موجود جامعه است، یعنی آحاد جامعه بر اساس ویژگی های محول مثل سن، قومیت، زبان، نژاد، رنگ و طبقه در مواضع مختلف اجتماعی توزیع می شوند. این نوع توزیع را می توان توزیع تبعیض آمیز یا توزیع خاص گرا نیز نامید (چلیبی، ۱۳۷۵: ۵-۱۹۴).

به نظر دور کیم نابرابری بیرونی که ریشه در خصایص محولی دارند، مانع توسعه جامعه هستند و بدیهی است که جامعه دچار ضعف در انسجام می شود و انتظار توسعه پایدار بعید به نظر می آید. به عقیده وی نابرابری بیرونی موجب تبعیض نمی شود، بلکه طبق موازین امروزی خود به معنی تبعیض است (همو: ۱۹-۲۱۸). علاوه بر آن نابرابری بیرونی بر اساس ویژگی های محولی هر جامعه است که افراد در مواضع مختلف توزیع می شوند. با این حساب، نابرابری جنسی، قومی، نژادی، زبانی و... از اشکال رایج نابرابری بیرونی هستند (همو: ۱۹۸).

بر اساس دیدگاه پژوهشگران معاصر حقوق زن، زنان و مردان جامعه علاوه بر تفاوت با یکدیگر، در موقعیت های نابرابری قرار گرفته اند. به این معنی که زنان از منابع مادی و منزلت اجتماعی و قدرت کمتری نسبت به مردان برخوردارند و این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می گیرد (ریترز، ۱۳۷۴: ۴۷۳). آن ها در نوع شدیدتر آن معتقدند که تمام تفاوت ها و نابرابری های جنسی فرآورده و حاصل پدر سالاری اند که مردان در طی آن منافع عینی و بنیادی در سوء استفاده و انقیاد زنان دارند... (همو: ۴۸۴).

در این دیدگاه، زنان در مقایسه با مردانی که در یک جایگاه اجتماعی قرار دارند، فرودست تر هستند، به طوری که تمام زنان قطع نظر از تفاوت های تاریخی، فرهنگی، طبقاتی یا نژادی، ستم دیده اند (همو: ۴۸۹) و این پایه تابعیت زنان از ماهیت زیست شناختی شان که تغییرناپذیر است، سرچشمه نگرفته، بلکه از تنظیم های اجتماعی سرچشمه می گیرد و می توان آن را دگرگون کرد (همو: ۴۸۰).

مطالعات اکتشافی تحقیق حاضر مشخص نمود که به طور خاص موضوع جنسیت و ارتباط آن با قوانین در هیچ یک از نظریه های موجود جامعه شناسی به تنهایی قابل تحلیل نیست؛ چرا که هر کدام از نظریه ها به وجوه خاصی از موضوع مورد مطالعه توجه دارند که به تنهایی ناقص است. لذا برای تحلیل موضوع پژوهش، چارچوب نظری با تلفیقی از نظریه های کلاسیک و معاصر شکل گرفت و از طریق آن با استناد به پایه های علمی، متغیرها و سؤال های تحقیق استخراج گردید.

سؤال‌های اصلی پژوهش

- بی‌گمان پر کردن فضای خالی بین نظریه‌های کلاسیک که عمدتاً در مورد قوانین و چگونگی آن بحث می‌کند و نظریه‌های معاصر که به جنسیت و وضعیت آن در جامعه توجه دارند، از طریق سؤال‌های پژوهش امکان‌پذیر است. این سؤال‌ها به شرح ذیل است:
- آیا در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی، زن و مرد از نظر سلب حق، ملزم کردن به انجام تکلیفی خاص و اعطای حق خاص با یکدیگر متفاوت هستند؟
 - آیا در قوانینی که ماهیت، نوع و شیوه مجازات تعیین شده است، جهت نظر قانونگذار نسبت به زنان و مردان متفاوت است؟
 - آیا در مواد قانونی اصلاح‌شده، زن و مرد در قانون از نظر اعطای حق خاص، ملزم کردن به انجام تکلیفی خاص، سلب حق، جهت نظر قانونگذار، نوع روابط گروهی در ماده قانونی، با یکدیگر متفاوت هستند؟
 - آیا در قوانینی که قبل و بعد از انقلاب به تصویب رسیده است، زن و مرد در قانون از نظر اعطای حق خاص، ملزم کردن به انجام تکلیفی خاص، سلب حق، جهت نظر قانونگذار، نوع روابط گروهی در ماده قانونی، با یکدیگر متفاوت هستند؟
 - آیا در مواد قانونی که حکم آن‌ها روشن و قطعی نیست - از نظر وجود ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، ارجاع به تصمیم قاضی، انعطاف‌پذیری حکم قانون، کلمات یا عبارات قابل تفسیر، اصطلاحات حقوقی یا عربی - جهت نظر قانونگذار نسبت به زنان و مردان متفاوت است؟
 - آیا در مواد قانونی که حکم آن‌ها روشن و قطعی نیست - از نظر وجود ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، ارجاع به تصمیم قاضی، انعطاف‌پذیری حکم قانون، کلمات یا عبارات قابل تفسیر، اصطلاحات حقوقی یا عربی - سلب حق از زنان و مردان متفاوت است؟
 - آیا در مواد قانونی که حکم آن‌ها روشن و قطعی نیست - از نظر وجود ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، ارجاع به تصمیم قاضی، انعطاف‌پذیری حکم قانون، کلمات یا عبارات قابل تفسیر، اصطلاحات حقوقی یا عربی - اعطای حق خاص به زنان و مردان متفاوت است؟

- آیا در مواد قانونی که حکم آنها روشن و قطعی نیست - از نظر وجود ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، ارجاع به تصمیم قاضی، انعطاف پذیری حکم قانون، کلمات یا عبارات قابل تفسیر، اصطلاحات حقوقی یا عربی - ملزم کردن زنان و مردان به انجام تکلیفی خاص متفاوت است؟
- آیا در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی، زن و مرد در مواد قانونی، از نظر فاعل یا مفعول بودن ماده قانونی، نوع روابط گروهی، جهت نظر قانونگذار، با یکدیگر متفاوتند؟
- آیا در مواد قانونی که فاعل آنها زن یا مرد است، از نظر اعطای حق خاص به زنان و مردان، ملزم کردن آنها به تکلیفی خاص، سلب حق از آنها، تفاوت وجود دارد؟
- آیا نوع روابط گروهی زنان و مردان از نظر قرار گرفتن در سلسله مراتب اقتدار با میزان ابهام ماده قانونی، نقش قاضی در تفسیر قوانین، انعطاف پذیری حکم قانون متفاوت است؟

روش انجام تحقیق

سطح مطالعه از نوع توصیفی است، لذا با چگونگی امور و نه چرایی آن سرو کار دارد و به تعبیر گیدنز صرفاً به این سؤال پاسخ می دهد که «در این جا چه می گذرد؟» (گیدنز، ۱۳۷۶: ۷۱). با این توضیح که این پژوهش به توصیف کمی و ویژگی های موجود در قوانین به لحاظ جنسیت می پردازد. در این مطالعه از روش تطبیقی که مورد تأکید دورکیم بود، استفاده شده است. به این جهت تطبیقی که قوانین جاری کشور (دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی) از منظر توجه به زن و مرد در آن مورد بررسی قرار گرفته است. تکنیک مورد استفاده تحلیل محتوا است. واحد تحلیل یک ماده قانونی و در صورت داشتن تبصره، یک ماده قانونی و تبصره های آن بوده است. واحد ثبت نیز عبارت است از واحدهای ادراکی (کلمه/عبارت) و واحدهای معنایی (مضمون) در این مطالعه با تعیین دو حوزه حقوق مدنی و جزایی که به ترتیب مربوط به حقوق خصوصی و عمومی است، موضوع مطالعه تعیین گردید و به ترتیب قانون خانواده در حوزه حقوق مدنی و قانون مجازات اسلامی در حوزه حقوق جزایی برای مطالعه برگزیده شد.

به تعبیر لوی برول، همه قوانین ارزش برابری ندارند (لوی برول، ۱۳۷۶: ۳۸)، در نتیجه مواد قانونی هم وزن نیستند. لذا نمونه گیری و تعمیم آن به تمام قانون نادرست بود. به همین دلیل از شیوه تمام شماری استفاده گردید و کلیه مواد قانونی در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی با آخرین اصلاحات و چاپ (۱۳۷۹) به

عنوان جامعه آماری این پژوهش مورد تحلیل قرار گرفت. تعداد مواد قانون خانواده ۸۵۹ ماده و قانون مجازات اسلامی ۷۲۹ ماده می باشد که مجموعاً ۱۵۸۸ ماده را تشکیل دادند. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، پرسشنامه معکوس^۱ بوده است و در تحلیل داده‌ها به تناسب موضوع پژوهش از آمار توصیفی استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها

- **وجود یا عدم وجود اعطای حق خاص:** اختیاری است که قانونگذار به موجب قانون برای انجام یا ترک یک فعل به فردی می دهد؛ این فرد ممکن است مرد، زن و یا هر دو جنس باشد و یا اختیاری باشد که قانونگذار به مراجع قضایی و سازمان‌های دولتی می دهد.

- **وجود یا عدم وجود تحمیل تکلیف خاص:** امری است که فرد ملزم به انجام آن می باشد و قانونگذار هیچ اختیاری به فرد نمی دهد، بلکه او را مکلف به انجام تکلیفی می کند. این تکلیف ممکن است در مورد زن، مرد یا هر دو جنس باشد و یا تکلیفی باشد که قانونگذار به عهده مراجع قضایی و سازمان‌های دولتی می گذارد.

- **وجود یا عدم وجود سلب حق:** منع کردن از انجام یا ترک یک فعل است. همچنین منع کردن از یک حق اجتماعی مثل محرومیت از مشاغل دولتی و... همچنین اختیاری برای انجام یک فعل که صرفاً به یک جنس داده می شود. بنابراین هر گونه تمایز، استثناء و یا محدودیت بر اساس جنسیت را سلب حق می نامیم. سلب حق ممکن است نسبت به زن، مرد و یا هر دو جنس باشد.

- **وجود یا عدم وجود روابط گروهی:** منظور دو نوع مشارکتی و سلسله‌مراتبی است. روابط مشارکتی به این معنی که هر گاه دو نفر یا بیشتر برای انجام عملی با یکدیگر همکاری کنند، این رابطه اعم از رابطه یک جنس یا دو جنس است. روابط بر اساس سلسله‌مراتب اقتدار به این معنی است که فردی به موجب قانون دارای قدرتی باشد و به وسیله آن بتواند اراده‌اش را بر شخص یا اشخاص دیگر تحمیل کند. در رأس این سلسله‌مراتب اقتدار ممکن است مرد، زن و یا هر دو جنس باشد و یا مشخص نباشد که کدام جنس در رأس سلسله‌مراتب اقتدار قرار گرفته است، مثل مدعی العموم.

- **جهت نظر قانونگذار نسبت به مرد یا زن:** زمانی که یک ماده قانونی صرفاً در مورد یک جنس است و یا موادی که یک اصطلاح قانونی را تعریف می کنند، به عنوان ماده‌ای که قانونگذار جهت نظری ندارد، در نظر

گرفته شد. در صورتی که قانونگذار نسبت به زن و مرد جهت نظر یکسان داشته باشد و به این معنی که یک حکم را برای هر دو جنس لازم‌الاجرا بداند، جهت نظر قانونگذار نسبت به دو جنس یکسان تعریف شده است. زمانی که قانونگذار برای یک جنس استثناء و یا محدودیت و یا امتیاز (مثلاً تخفیف مجازات) قایل است و یا اولویت در نظر می‌گیرد، این اولویت ممکن است به سمت مرد یا زن باشد، جهت نظر قانونگذار متفاوت تعریف شده است.

- **جنس فاعل:** جنس فردی است که فعلی را انجام می‌دهد و یا به حکم قانون می‌بایست انجام دهد. این فعل ممکن است توسط زن یا مرد و یا هر دو جنس انجام شود و نامشخص زمانی است که فاعل دارد، اما جنسیت مشخص نیست. مثل کسی، طیبی، دادگاه و...

- **جنس مفعول:** منظور جنس فردی است که فعلی بر آن واقع می‌شود و یا به حکم قانون می‌بایست این فعل بر آن فرد واقع شود. مفعول ممکن است زن، مرد و یا هر دو جنس باشد و نامشخص زمانی است که مفعول دارد، اما جنسیت مشخص نیست، مثل اطفال.

- **ماهیت مجازات:** مجازات‌ها به لحاظ ماهیت به سه دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از تنبیهی، ترمیمی و بینابینی. مجازات تنبیهی یعنی قصاص فرد مجرم، مثل اعدام، زندانی کردن، پرداخت دیه به شخص زیان‌دیده و در کل مجرم چیزی را که در اختیار دارد، از دست بدهد. مجازات ترمیمی به این معنی است که مجرم از چیزی محروم نمی‌شود، بلکه وظیفه دارد اوضاع ناشی از جرم را به حالت اولیه و عادی برگرداند و دیگر هیچ رنجی که متناسب با جرم باشد، تحمل نمی‌کند. مجازات بینابینی آن دسته از مجازات‌هایی است که شامل هر دو مورد فوق باشد.^(۱)

- **شیوه مجازات:** شیوه مجازات در قوانین شامل حد و تعزیر و ارش است:

- **حد:** «به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است» (منصور، ۱۳۷۹: ۲۳)

- **تعزیر:** «تأدیب و یا عقوبتی که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است» (همان: ۲۴).

- **ارش:** «در حقوق جزا چنانچه خسارت جسمانی به دیگری وارد گردد و از سوی قانونگذار در آن خصوص دیه‌ای تعیین نشده باشد، دادگاه جانی را مکلف به پرداخت مبلغی به عنوان ارش به زیان‌دیده می‌نماید» (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۷۴: ۱۷۰).

- **انواع مجازات:** انواع مجازات‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی به سه طبقه قابل تقسیم است: مجازات‌های مربوط به سلب آزادی، مجازات‌های مالی و مجازات‌های بدنی. **مجازات‌های سلب آزادی:** حبس مجرم و مجازات‌های مربوط به محرومیت از حقوق اجتماعی مثل انفصال از شغل؛ **مجازات‌های مالی:** مجازات‌هایی که قابلیت پرداخت دارد، مثل پرداخت مبلغی پول به عنوان جریمه، پرداخت دیه، پرداخت ارش و...؛ **مجازات‌های بدنی:** مجازات‌هایی که مجرم از نظر بدنی آسیب می‌بیند، مثل شلاق، قصاص عضو و...

- **نوع قانون:** منظور دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی بوده است که موضوعات آن به شرح ذیل است: الف- قانون مجازات اسلامی شامل مواد عمومی قانون مجازات، حدود، قصاص، دیات و تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده؛ ب- قانون خانواده شامل کلیات قانون خانواده، تابعیت، اسناد سجل احوال، اقامتگاه، غایب مفقودالانثر، قرابت، نکاح و طلاق، اولاد، خانواده، حجر و قیمومت، وصایا، ارث، مقررات مختلف، کلیات قانون امور حسبی، امور راجع به امین، امور راجع به ترکه، هزینه، کلیات قانون ثبت احوال.

- **میزان ابهام ماده قانونی:** از ترکیب دو متغیر اصطلاحات حقوقی یا عربی و طولانی بودن ماده قانونی ساخته شده است.

اصطلاحات حقوقی یا عربی	طولانی بودن ماده قانونی	میزان ابهام ماده قانونی
ندارد	نیست	هیچ
ندارد	هست	کم
دارد	نیست	متوسط
دارد	هست	زیاد

اصطلاحات حقوقی یا عربی، وجود کلمات و یا اصطلاحاتی در مواد قانونی که برای خواننده عادی غیر قابل فهم بوده و برای دریافت معنی آن می‌بایست به کتاب‌ها و دایرة المعارف‌های حقوقی مراجعه نماید، مثل موصی له، مولی علیه. برای سنجش طولانی بودن ماده قانونی، در بررسی اولیه تعداد سطر مواد قانونی مورد شمارش قرار گرفت، سپس با در نظر داشتن توزیع فراوانی این متغیر، مشخص گردید که اکثریت مواد قانونی ۵ خط و یا کمتر از آن است. در این بررسی، آن دسته از مواد قانونی که از ۵ سطر بیشتر بودند، به عنوان مواد قانونی طولانی و کلیه مواد قانونی ۵ خط و کمتر، به عنوان مواد غیر طولانی در نظر گرفته شد.

- **نقش قاضی در تفسیر قوانین:** این متغیر از ادغام دو متغیر ارجاع به تصمیم قاضی و عبارت یا کلمات قابل تفسیر ساخته شد.

ارجاع به تصمیم قاضی	عبارت یا کلمات قابل تفسیر	نقش قاضی در تفسیر قوانین
ندارد	ندارد	هیچ
ندارد	دارد	کم
دارد	ندارد	متوسط
دارد	دارد	زیاد

منظور از ارجاع به تصمیم قاضی، آن دسته از مواد قانونی است که تعیین کل و یا قسمتی از حکم نهایی بر عهده شخص قاضی گذارده شده است تا وی با توجه به علم و اندیشه خود، حکم نهایی را صادر نماید. منظور از کلمات یا عبارات قابل تفسیر، وجود عبارات و یا کلماتی است که یک معنی مشخص و قابل فهم برای همگان ندارد و می تواند توسط افراد مختلف به شیوه های گوناگون تفسیر و تعبیر شود.

- **انعطاف پذیری حکم قانون:** آن دسته از مواد قانونی که دارای یکی از ویژگی های زیر باشند: ۱. زمانی که حکم قطعی صادر نشده و یا تعیین تکلیف نهایی به عهده دادگاه و قاضی است؛ ۲. زمانی که ابتدا حکم قطعی صادر شده است، اما به علت وجود عاملی، حکم را تشدید می کنند و یا تخفیف می دهند؛ ۳. مواد قانونی که حکم قطعی در مورد میزان مجازات تعیین نکرده، بلکه آن را در یک فاصله متغیر می داند، مثلاً اگر فلان جرم انجام شود، مجرم به یک تا پنج سال حبس محکوم می شود.

- **وجود یا عدم وجود اصلاحات:** آن دسته از مواد قانونی که به نظر قانونگذار متناسب با نیازهای امروز جامعه نیست و به همین دلیل تغییر کرده است. آنچه در این تحقیق اندازه گرفته شد، زمان اصلاح بوده است.

- **زمان تصویب:** آن مقطع زمانی که ماده قانونی به تصویب نهایی رسیده است که در نهایت به دو دسته قبل و بعد از انقلاب تقسیم می شود.

توصیف یا فته ها

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ نوع قانون

همان گونه که در جدول بعد مشهود است، در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی، مردان به لحاظ اعطای حق، اولویت قانونگذار و جنس فاعل، تعداد مواد قانونی بیشتری را نسبت به زنان به خود اختصاص می دهند.

علاوه بر آن قانونگذار در قانون خانواده مردها را بیشتر از زنها در راس هرم اقتدار قرار می‌دهد. از طرفی دیگر در این دو مجموعه قانون، زنان در متغیرهای تحمیل تکلیف خاص، سلب حق و جنس مفعول تعداد مواد قانونی بیشتری نسبت به مردان دارند.^(۲)

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی قوانین بر اساس نوع قانون، جنسیت، اعطای حق خاص، تحمیل تکلیف خاص، سلب حق، قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار، اولویت قانونگذار، جنس فاعل و جنس مفعول

جمع	نوع قانون				جنسیت	متغیر
	خانواده		مجازات			
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
۱۵	۸۶/۷	۱۳	۱۳/۳	۲	مرد	اعطای حق خاص
۱۸	۱۰۰	۱۸	۰	۰	زن	
۷	۱۰۰	۷	۰	۰	مرد	تحمیل تکلیف خاص
۱۰	۹۰	۹	۱۰	۱	زن	
۵	۱۰۰	۵	۰	۰	مرد	سلب حق
۶۷	۷۷/۶	۵۲	۲۲/۴	۱۵	زن	
۱۶	۱۰۰	۱۶	۰	۰	مرد	قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار
۲	۱۰۰	۲	۰	۰	زن	
۸۵	۶۰	۵۱	۴۰	۳۴	مرد	اولویت قانونگذار
۱۴	۷۸/۶	۱۱	۲۱/۴	۳	زن	
۲۷	۴۰/۷	۱۱	۵۹/۳	۱۶	مرد	جنس فاعل
۱۱	۷۲/۷	۸	۲۷/۳	۳	زن	
۱۴	۴۲/۹	۶	۵۷/۱	۸	مرد	جنس مفعول
۲۳	۴۳/۵	۱۰	۵۶/۵	۱۳	زن	

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ میزان ابهام ماده قانونی

نتایج به دست آمده در خصوص میزان ابهام ماده قانونی، نشان می‌دهد که در هنگامی که قانونگذار حق خاصی را به زن می‌دهد و یا زن را ملزم به انجام تکلیفی می‌کند و یا نسبت به زن سلب حق می‌نماید، میزان ابهام ماده قانونی بیشتر از زمانی است که این موارد نسبت به مردان است. همچنین زمانی که مرد در رأس هرم اقتدار است و یا قانونگذار مرد را در اولویت قرار می‌دهد، ابهام ماده قانونی بیشتر از موارد مربوط به زنان است.^(۳)

جدول ۲- توزیع فراوانی قوانین بر اساس میزان ابهام ماده قانونی، جنسیت و اعطای حق خاص، تحمیل تکلیف خاص، سلب حق، قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار و اولویت قانونگذار

متغیر	جنسیت	میزان ابهام ماده قانونی							
		ندارد		کم		متوسط		زیاد	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اعطای حق خاص	مرد	۱۶	۰	۰	۵	۴/۸	۲	۳/۸	
	زن	۱۲	۱	۷/۷	۷	۶/۷	۴	۷/۷	
تحمیل تکلیف خاص	مرد	۱۰	۰	۰	۳	۳/۳	۱	۲/۲	
	زن	۱۳/۳	۱	۶/۳	۳	۳/۳	۲	۴/۳	
سلب حق	مرد	۳	۰	۰	۴	۸/۷	۰	۰	
	زن	۷۸/۸	۲	۴۰	۲۶	۵۶/۵	۱۳	۵۶/۵	
قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار	مرد	۶۲/۵	۱	۶/۳	۵	۳۱/۳	۰	۰	
	زن	۵۰	۰	۰	۱	۵۰	۰	۰	
اولویت قانونگذار	مرد	۶/۸	۵	۳/۷	۳۰	۶	۲۶	۱۲/۴	
	زن	۲	۰	۰	۷	۱/۴	۰	۰	

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ نقش قاضی در تفسیر قوانین

نتایج به دست آمده در ارتباط با نقش قاضی در تفسیر قوانین نشان می‌دهد زمانی که قانونگذار حق خاصی را به زن می‌دهد، نقش قاضی در تفسیر قوانین بیشتر از زمانی است که حق خاصی به مرد داده شده است. علاوه بر آن، در مواردی که قانونگذار فردی را ملزم به انجام تکلیفی می‌کند، نقش قاضی در تفسیر قوانین نسبت به هر دو جنس (زن و مرد) یکسان است. در میان آن دسته از مواد قانونی که سلب حق نسبت به زنان شده است، نقش قاضی در تفسیر قوانین بیشتر از زمانی است که سلب حق نسبت به مردان بوده است. علاوه بر آن زمانی که قانونگذار مرد را در رأس هرم اقتدار قرار می‌دهد (تفاوت به نفع مرد)، نقش قاضی در تفسیر قوانین بیشتر از زمانی است که این موارد مربوط به زنان است.^(۴)

جدول ۳ - توزیع فراوانی قوانین بر اساس نقش قاضی در تفسیر قوانین، جنسیت و اعطای حق خاص، تحمیل تکلیف خاص، سلب حق، قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار، اولویت قانونگذار

متغیر	جنسیت	نقش قاضی در تفسیر قوانین							
		ندارد		کم		متوسط		زیاد	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اعطای حق خاص	مرد	۱۱	۸/۱	۴	۱۲/۵	۰	۰	۰	۰
	زن	۱۲	۸/۹	۶	۱۸/۸	۰	۰	۰	۰
تحمیل تکلیف خاص	مرد	۶	۴/۲	۱	۳/۸	۰	۰	۰	۰
	زن	۹	۶/۳	۱	۳/۸	۰	۰	۰	۰
سلب حق	مرد	۳	۳/۲	۲	۲۰	۰	۰	۰	۰
	زن	۶۱	۶۴/۹	۶	۶۰	۰	۰	۰	۰
قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار	مرد	۱۴	۸۷/۵	۲	۱۲/۵	۰	۰	۰	۰
	زن	۲	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
اولویت قانونگذار	مرد	۷۳	۸/۸	۱۰	۳/۵	۰	۰	۲	۵/۹
	زن	۱۲	۱/۴	۱	۰/۳	۰	۰	۱	۲/۹

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ انعطاف پذیری حکم قانون

نتایج به دست آمده در ارتباط با انعطاف پذیری حکم قانون حکایت از آن دارد که در میان آن دسته از مواد قانونی انعطاف پذیر، مردها بیشتر از زن‌ها در رأس هرم اقتدار قرار گرفته‌اند و از طرفی سلب حق از زنان بیشتر از مردان است و قانونگذار اولویت بیشتری برای مرد قایل است (تفاوت به نفع مرد). در این مواد اعطای حق به زن بیشتر از مرد است، اما تحمیل تکلیف خاص برای هر دو جنس زن و مرد یکسان است.^(۵)

جدول ۴- توزیع فراوانی قوانین بر اساس انعطاف پذیری حکم قانون، جنسیت و اعطای حق خاص، تحمیل تکلیف خاص، سلب حق و قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار، اولویت قانونگذار.

متغیر	جنسیت	انعطاف پذیری حکم قانون			
		تعداد موادی که حکم آن‌ها انعطاف پذیر است		تعداد موادی که حکم آن‌ها انعطاف پذیر نیست	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اعطای حق خاص	مرد	۲	۴/۲	۱۳	۷/۶
	زن	۵	۱۰/۴	۱۳	۷/۶
تحمیل تکلیف خاص	مرد	۲	۱۰/۵	۵	۳
	زن	۲	۱۰/۵	۸	۴/۹
سلب حق	مرد	۱	۴/۵	۴	۴/۷
	زن	۱۱	۵۰	۵۶	۶۵/۹
قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار	مرد	۴	۲۵	۱۲	۷۵
	زن	۱	۵۰	۱	۵۰
اولویت قانونگذار	مرد	۱۶	۴/۹	۶۹	۷/۹
	زن	۳	۰/۹	۱۱	۱/۳

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ اصلاح شدگی مواد قانونی

اطلاعات به دست آمده از پژوهش حاکی از آن است که در میان آن دسته از مواد قانونی که اصلاح شده‌اند، مواد مربوط به اعطای حق به زنان و تحمیل تکلیف به آن‌ها بیشتر از مواد اصلاح شده مربوط به مردان است. همان گونه که ملاحظه می‌شود، هیچ ماده‌ای وجود ندارد که قانونگذار به طور خاص زن یا مرد را از

دسترسی به حقی خاص منع کرده باشد و مورد اصلاح نیز قرار گرفته باشد. علاوه بر آن در میان آن دسته از مواد قانونی اصلاح نشده، سلب حق از زنان بیشتر از مردان است. همچنین موادی که مرد در رأس هرم اقتدار قرار گرفته است، بیشتر از مواد مربوط به زنان مورد اصلاح قرار گرفته است، اما آن دسته از موادی که قانونگذار به مرد یا زن اولویت می دهد (تفاوت به نفع یک جنس) به نسبت مساوی اصلاح شده اند.^(۶)

جدول ۵- توزیع فراوانی قوانین بر اساس مواد قانونی اصلاح شده، جنسیت و اعطای حق خاص، تحمیل تکلیف خاص، سلب حق، قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار، اولویت قانونگذار

متغیر	جنسیت	اصلاح شدگی مواد قانونی			
		تعداد مواد اصلاح شده		تعداد مواد اصلاح نشده	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
اعطای حق خاص	مرد	۱	۶/۷	۱۴	۹۳/۳
	زن	۳	۱۶/۷	۱۵	۸۳/۳
تحمیل تکلیف خاص	مرد	۰	۰	۷	۱۰۰
	زن	۲	۲۰	۸	۸۰
سلب حق	مرد	۰	۰	۵	۱۰۰
	زن	۰	۰	۶۷	۱۰۰
قرار گرفتن در رأس هرم اقتدار	مرد	۱	۶/۳	۱۵	۹۳/۸
	زن	۰	۰	۲	۱۰۰
اولویت قانونگذار	مرد	۱	۱/۲	۸۴	۹۸/۸
	زن	۱	۷/۱	۱۳	۹۲/۹

متغیرهای مورد مطالعه به لحاظ جهت نظر قانونگذار

از نتایج به دست آمده در رابطه با متغیر ماهیت، نوع و شیوه مجازات این نکته روشن گردید که زن و مرد در مجازات های ترمیمی و بینابینی با توجه به نظر قانونگذار در موقعیت یکسانی قرار گرفته اند، یعنی قانونگذار یک نوع مجازات را برای زن و مرد در نظر می گیرد. اما در مجازات تنبیهی برای مرد اولویت بیشتری نسبت به زن قایل است، یعنی تفاوت به نفع مرد. از نظر نوع مجازات نیز زن و مرد در مجازات سلب آزادی در وضعیت

یکسانی قرار گرفته‌اند. اما قانونگذار در دو نوع مجازات بدنی و مالی علاوه بر موارد یکسان بسیاری که برای زن و مرد در نظر گرفته است، برای مرد اولویت بیشتری قایل است، یعنی تفاوت به نفع مرد. در خصوص شیوه مجازات نیز این نتیجه به دست آمد که قانونگذار در حد و تعزیر برای مرد اولویت بیشتری قایل، است اما در ارش نظر یکسانی دارد.^(۷)

جدول ۶- توزیع فراوانی قوانین بر اساس جهت نظر قانونگذار، جنسیت و ماهیت مجازات، نوع مجازات، شیوه مجازات

متغیر	گزینه‌ها	جنسیت	جهت نظر قانونگذار			
			اولویت قانونگذاری		یکسان	
			فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
ماهیت مجازات	تنبیهی	مرد	۱۰	۲/۸	۳۴۹	۹۶/۷
		زن	۱	۳		
	ترمیمی	مرد	۰	۰	۱۴	۱۰۰
		زن	۰	۰		
	بینابینی	مرد	۰	۰	۳۷	۱۰۰
		زن	۰	۰		
نوع مجازات	بدنی	مرد	۶	۱۳/۳	۳۸	۸۴/۴
		زن	۱	۲/۲		
	مالی	مرد	۴	۲/۷	۱۴۲	۹۶/۶
		زن	۰	۰		
	سلب آزادی	مرد	۰	۰	۱۰۲	۱۰۰
		زن	۰	۰		
شیوه مجازات	حد	مرد	۷	۲	۳۴۷	۹۷/۵
		زن	۱	۰/۳		
	تعزیر	مرد	۱	۴/۵	۲۱	۹۵/۵
		زن	۰	۰		
	ارش	مرد	۰	۰	۱۱	۱۰۰
		زن	۰	۰		

در یک جمع‌بندی کلی روشن است که در این دو مجموعه قانون (خانواده و مجازات اسلامی) به زن و مرد از دو جنبه توجه شده است و حقوق و مسئولیت‌های این دو از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است:

۱. از جهت انسانیت مشترک، به این معنی که برای زن و مرد حقوق یکسان در نظر گرفته شده است.
۲. از جهت جنسیت متفاوت، به این معنی که به جهت جنسیت متفاوتشان دارای حقوق متفاوتی هستند.

البته از آنجا که منابع اصلی حقوق در کشور ما شرع مقدس اسلام است، معمولاً این گونه تعبیر می‌شود که زن و مرد احکام خاص خود را دارند که متناسب با جنسیت آنان است و این به معنی آن نیست که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است؛ چرا که تساوی حقوق به هیچ وجه به معنای تشابه حقوق نیست. مرد حقوقی متناسب با خویش و زن نیز حقوق سازگار با خود دارد و تنها از این رهگذر است که وحدت و صمیمیت واقعی میان دو جنس برقرار می‌شود و زن و مرد دارای سعادت‌ی مساوی می‌گردند. بنابراین تفاوت‌ها را باید به حساب تناسب گذاشت، نه نقص یکی و کمال دیگری. اما از طرفی دیگر بسیاری از طرفداران حقوق زن چه در سطح جهانی و چه در ایران همین تفاوت‌های بین زن و مرد را در قوانین به تبعیض نسبت به یک جنس که عمدتاً زنان هستند، نسبت می‌دهند و خواهان بازنگری و تجدید نظر در مواردی هستند که جنبه تبعیض آمیز و ناعادلانه دارد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تفاوت‌های بسیاری در قوانین بین زن و مرد وجود دارد، اما از آنجا که این تحقیق جنبه توصیفی دارد و به چگونگی امور می‌پردازد و علاوه بر آن تکنیک تحلیل محتوا صرفاً قادر است خصایص آشکار را برجسته نماید و اشتراکات و اختلافات حقوقی زن و مرد را از جوانب مختلف نشان دهد، بنابراین اعلام نظر درباره چرایی موضوع خارج از توانایی پژوهش حاضر و در صلاحیت جمعی از حقوقدانان، جامعه‌شناسان و فقها است که در مورد چرایی اشتراکات و به‌خصوص اختلافات حقوقی که نقطه تمرکز طرفداران برابری حقوق زن و مرد است، توضیح دهند. این کار در توانایی تکنیک تحلیل محتوا نخواهد بود، بلکه از روش‌های مطالعه موردی و در مواردی پیمایش استفاده می‌شود.

پیشنهادها

پیشنادهای پژوهشی

- تحقیق و پژوهش و نقد قوانین به لحاظ جنسیت از جمله موضوعاتی است که جای آن در مجموعه مطالعات و پژوهش‌های موجود خالی است. کمبود پژوهش و تحقیق در این حوزه باعث شده است که

عده‌ای این برچسب را به دین اسلام بزنند که به صراحت برخی حقوق را از زنان گرفته است و این تعارض بین قوانین و دین حل نشده باقی می‌ماند و کار به توجه‌گری‌های ناشیانه کشانده می‌شود. لذا تشویق محققان به انجام این گونه تحقیقات باعث می‌شود که تمام مسائل حقوقی زنان و مردان به طور واقع‌بینانه و نه یک‌جانبه مورد کاوش قرار گیرد.

- کمبود منابع و بعضاً قدیمی بودن این منابع در حوزه جامعه‌شناسی حقوق و فقدان تحقیقات و حتی تدریس واحدی دانشگاهی در خصوص این حوزه، باعث ناآگاهی و حتی عدم آشنایی دانش‌آموختگان جامعه‌شناسی با این حوزه شده است، لذا تدوین کتاب در خصوص جامعه‌شناسی حقوق و ارائه واحدی دانشگاهی برای آشنایی بیشتر با این حوزه برای دانشجویان علوم اجتماعی ضروری است.

- پژوهش حاضر همان‌گونه که از نظر گذشت، سیمای زن و مرد را در دو مجموعه قانون خانواده و مجازات اسلامی مورد مطالعه قرار داد، لذا پیشنهاد می‌شود در تداوم بررسی انجام شده سایر علاقه‌مندان دیگر قوانین موجود کشور را از این منظر مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

- از آنجا که متغیرهای این تحقیق انتزاعی بودند، در تعریف عملیاتی آن‌ها دقت بسیاری به کار گرفته شد و علاوه بر آن با عنایت به سطح سنجش اسمی اکثر متغیرهای این پژوهش، امکان استفاده از فنون آماری محدود بود. از این رو در آینده پژوهشگران می‌توانند با مطالعات عمیق‌تر به تدوین متغیرهای مناسب‌تر و حتی با سایر سطوح سنجش اقدام نمایند و با استفاده از سایر فنون آماری مطالعات عمیق‌تری را انجام دهند.

پیشنادهای اجرایی

- یافته‌های پژوهش نشان داد که حدود ۶۰ درصد از مواد قانونی ابهام متوسط تا زیاد دارند. این ابهام به علت طولانی بودن ماده قانونی نیست، بلکه به علت وجود اصطلاحات حقوقی و عربی بسیاری است که در مواد قانونی به کار رفته است. به همین علت بسیاری از مواد قانونی برای یک خواننده عادی قابل فهم نیست، لذا برای رفع ابهام پیشنهاد می‌شود که مواد قانونی به زبانی رسا و قابل فهم برای عموم مردم نوشته شود و یا لاقط اصطلاحات حقوقی و عربی آن معنی شود، به طوری که یک خواننده عادی به سهولت بتواند با خواندن مواد قانونی حقوق و تکالیف موجود را به طور صریح و روشن دریابد.

- نتایج حاکی از آن است که درباره حدود ۳۰ درصد از مواد قانونی، قاضی در تفسیر قوانین نقش دارد. این نقش قاضی در تفسیر قوانین یا به علت وجود کلمات و عباراتی است که قابلیت تفسیر دارند و یا وجود آن دسته از مواد قانونی است که تعیین حکم نهایی به عهده قاضی گذارده شده است. از این رو بهتر است که حکم آن قدر روشن و گویا باشد که قاضی تنها آن را اجرا کند و تعیین حکم نهایی به عهده قاضی نباشد و یا حداقل محدوده عمل قاضی تعیین شود؛ چرا که در مواردی که تصمیم‌گیری به عهده قاضی است، احتمال می‌رود که یک حکم واحد توسط قضات مختلف و در مکان‌ها و زمان‌های گوناگون به شیوه‌های متفاوتی اجرا شود و سهواً حقی ضایع گردد. همچنین در مواردی که قانون سکوت می‌کند نیز وضع به همین شکل است؛ چرا که در موارد سکوت قانون، قاضی باید به فتاوی فقہی مراجعه کند،^(۸) حال اگر نظریات فقہی در خصوص آن حکم پیدا نشود، مشخص است که قاضی به عقل و عرف مراجعه می‌کند. بنابراین صراحت در قانون باعث می‌شود که حکم به شیوه‌ای یکسان برای عموم مردم اعمال شود.

- از آن‌جا که زمان و شرایط، قوانین را تحت تأثیر قرار می‌دهد،^(۹) حقوق هر جامعه‌ای می‌بایست به نحو مناسب همپای تحولات اجتماعی تغییر و تحول پیدا کند و خود را با مقتضیات روز انطباق دهد. مواد قانونی در این دو مجموعه در طی سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۰۷ به تصویب رسیده است، از این رو طبیعی است که با نیازهای جامعه منطبق نباشند و روشن است که نیاز به بررسی و تجدید نظر دارد. بنابراین قوانین باید برابر نیازها و خواسته‌های مردم دستخوش تغییر شود و از آن‌جا که فقه غنی اسلامی پشتوانه قانونگذاری در کشور ما است، می‌تواند با گشودن افق‌های تازه و بازتعریف مفاهیم دینی، قوانین و مقررات را با نیازهای روز انطباق دهند و از پس افتادگی حقوقی نجات دهند که البته وارد شدن به این وادی هم‌اندیشی علمای حوزه و کارشناسان و صاحب‌نظران را می‌طلبد که از طریق این روش اگر امکان تضييع حقی از حقوق افراد جامعه وجود دارد، آن را بر طرف کنند و همه انسان‌ها در جامعه اسلامی و با توجه به احکام تعالی بخش اسلام به حقوق واقعی خویش دست یابند.

- بیان حقوق زن و مرد و تفهیم آن به مردم از طریق رسانه‌های گروهی و توضیح در مورد چگونگی و خصوصاً چرایی اختلافات حقوقی توسط صاحب‌نظران و کارشناسان ضروری به نظر می‌رسد؛ چرا که موارد اختلاف خود نقطه آغاز بحث طرفداران برابری حقوق زن و مرد است که پیشنهاد می‌شود آگاهی دینی در بعد قوانین و احکام به جامعه داده شود تا زن و مرد با آگاهی عمیق به حقوق خود و دیگری واقف شوند

و آن را محترم شمارند؛ چراکه عدم آگاهی از حقوق خود و جنس مخالف، زمینه بروز بسیاری از مشکلات و نابسامانی‌های اجتماعی است.

- برگزاری همایش‌ها و سمینارهای مربوط به حقوق و جنسیت توسط دانشگاه‌ها و سایر مراکز از جمله دفتر امور زنان ریاست جمهوری، سازمان زنان و... تا از طریق آن مسائل مربوط به حقوق و جنسیت (زن و مرد) و تعارضات موجود بین قوانین، دین و جنسیت از دیدگاه‌های مختلف و توسط صاحب‌نظران و محققان مورد کاوش و بررسی قرار گیرد و راهکارهای آن برای مسئولان ارائه شود.

یادداشت‌ها

۱. تنبیهی، قانون مجازات، ماده ۷۰۰: هر کس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می‌شود.

ترمیمی، قانون مجازات، ماده ۵۸: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد: در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی، چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود.

بینابینی، قانون مجازات، ماده ۵۳۰: هر کس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارخانه‌های مذکور را بدون مجوز به دست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد، استعمال کند یا سبب استعمال گردد، علاوه بر جبران خسارات وارده، به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد.

۲. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با متغیر نوع ماده قانونی:

- اعطای حق خاص به مرد: ماده ۱۱۳۳ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- اعطای حق خاص به زن: ماده ۱۱۱۸ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- تحمیل تکلیف خاص به مرد: ماده ۱۰۹۷ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- تحمیل تکلیف خاص به زن: ماده ۴۸۹ از مجموعه مواد مربوط به دیات در قانون مجازات اسلامی
- مرد در رأس هرم اقتدار: ماده ۱۱۰۵ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- زن در رأس هرم اقتدار: ماده ۱۰۴۹ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده

۳. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با متغیر میزان ابهام ماده قانونی:

- سلب حق نسبت به زن با ابهام زیاد: ماده ۹۲۴ از مجموعه مواد مربوط به ارث در قانون خانواده
- مرد در رأس هرم اقتدار با ابهام متوسط: ماده ۱۰۰۵ از مجموعه مواد مربوط به اقامتگاه در قانون خانواده
- زن در رأس هرم اقتدار با ابهام متوسط: ماده ۱۱۱۱ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- اولویت قانونگذار به مرد با ابهام زیاد: ماده ۲۴۸ از مجموعه مواد مربوط به قصاص در قانون مجازات اسلامی
- اولویت قانونگذار به زن با ابهام متوسط: ماده ۱۱۶۹ از مجموعه مواد مربوط به اولاد در قانون خانواده
۴. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با متغیر نقش قاضی در تفسیر قوانین:
- اعطای حق خاص به مرد با نقش کم قاضی در تفسیر قوانین: ماده ۱۱۱۷ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- اعطای حق خاص به زن با نقش کم قاضی در تفسیر قوانین: ماده ۱۰۴۴ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- تحمیل تکلیف خاص به مرد با نقش کم قاضی در تفسیر قوانین: ماده ۱۱۱۵ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- تحمیل تکلیف خاص به زن با نقش کم قاضی در تفسیر قوانین: ماده ۱۱۵۷ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
۵. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با متغیر انعطاف‌پذیری حکم قانون:
- مرد در رأس هرم اقتدار در موادی که حکم آن انعطاف‌پذیر است: ماده ۱۰۴۳ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- زن در رأس هرم اقتدار در موادی که حکم آن انعطاف‌پذیر است: ماده ۱۰۴۹ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
- اولویت قانونگذار به مرد در موادی که حکم آن انعطاف‌پذیر است: ماده ۱۶۶ از مجموعه مواد مربوط به حدود در قانون مجازات اسلامی
- اولویت قانونگذار به زن در موادی که حکم آن انعطاف‌پذیر است: ماده ۱۱۳۰ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده
۶. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با متغیر اصلاح‌شدگی:
- اعطای حق خاص به زن در موادی که اصلاح شده‌اند: ماده ۱۰۴۴ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده

- تحمیل تکلیف خاص به زن در موادی که اصلاح شده‌اند: ماده ۱۲۵۱ از مجموعه مواد مربوط به حجر و قیمومت در قانون خانواده

- مرد در رأس هرم اقتدار در موادی که اصلاح شده‌اند: ماده ۱۰۴۳ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده

- اولویت قانونگذار به مرد در موادی که اصلاح شده‌اند: ماده ۱۰۴۳ از مجموعه مواد مربوط به نکاح و طلاق در قانون خانواده

۷. نمونه‌هایی از مواد قانونی در ارتباط با ماهیت، نوع، شیوه مجازات و جهت نظر قانونگذار:

- مجازات تنبیهی و اولویت به مرد: ماده ۴۸۷ از مجموعه مواد مربوط به دیات در قانون مجازات اسلامی

- مجازات تنبیهی و اولویت به زن: ماده ۱۳۸ از مجموعه مواد مربوط به حدود در قانون مجازات اسلامی

- مجازات بدنی و اولویت به زن: ماده ۱۳۸ از مجموعه مواد مربوط به حدود در قانون مجازات اسلامی

- مجازات بدنی و اولویت به مرد: ماده ۲۰۹ از مجموعه مواد مربوط به قصاص در قانون مجازات اسلامی

۸. طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی، «در موارد سکوت قانون، قاضی باید به فتاوی فقهی مراجعه کند» (ساکت، ۱۳۷۱: ۳۶).

۹. زمان و شرایط قوانین را تحت تأثیر قرار می‌دهند (مجله فرزانه، ۱۹۹۷: ۴۱).

فهرست منابع

- امامی، حسن (۱۳۷۰): حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، جلد چهارم.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۷۱): درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، بی‌جا.
- تورس، اماری لیس و روزاریو دل روزاریو (۱۳۷۵): جنسیت و توسعه، ترجمه جواد یوسفیان، تهران، انتشارات بانو.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۴): ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵): جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، انتشارات نی.
- خداپرست، مریم (۱۳۷۸): «اراهکارهای نهادینه شدن قانون‌گرایی در فرهنگ عمومی، قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی»، ویژه‌گروه‌های قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی.
- دورکیم، امیل (۱۳۶۹): درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، بابل، انتشارات بابل.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۶۴): درآمدی بر حقوق اسلامی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ریتر، جورج (۱۳۷۴): نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ساکت، محمد حسین (۱۳۷۱): حقوق شناسی، دیباچه‌ای بر دانش حقوق، مشهد، نشر نخست.
- فروند، ژولین (۱۳۶۲): جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، انتشارات نیکان.
- گورویچ و همکاران (۱۳۵۸): حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- گیدنز، انتونی (۱۳۷۶): جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران نی.
- لوی بول، هانری (۱۳۷۶): جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- مندراس، هانری و ژرژ گورویچ (۱۳۶۹): مبانی جامعه‌شناسی همراه با تاریخ مختصر جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- منتسکیو (۱۳۶۲): روح القوانين، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، کتابخانه امیرکبیر.
- منصور، جهانگیر (۱۳۷۹): قانون مدنی، تهران، انتشارات دیدار.

Amaryllist torres & Etal (1994): *Gender and development making bureaucracy gender-responsive*, Published by: united nation fund for women and national. commission on the role of Filipino womenand pECIALIST.

Barker, Padfield (1992): *law*, London, clays Itd press.

Burgess, Robert (1986): *Key variables in social Investigation*, London, Boston Henley, Routledge and Kegan paul press.

Parsons, talcott and Etal (1965): *Theory of society*, New york tree press.

Journal of Farzaneh (1997): "*figh and women's human rights*", vol: 3, No: 8. winter.

مشخصات نویسندگان

دکتر سیامک زند رضوی، عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان است.

سیمین فروغ زاده کارشناس ارشد جامعه‌شناسی محض، مدرس دانشگاه پیام نور مرکز مشهد و عضو هیأت علمی گروه

پژوهشی علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد.

mail: foroughzadeh@yahoo.com

پژوهش حاضر پایان نامه کارشناسی ارشد وی است که تحت حمایت مرکز امور مشارکت زنان دفتر ریاست جمهوری،

در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه شهید باهنر به انجام رسیده است.